چکیده
نظریه خصوصیات فردی رهبری یکی از نظریه‌های هدایت و رهبری در مدیریت است که نظریه‌پردازان این بر این نظر هستند که رهبر یا داده به یک گروه و یا گروه‌های فردی می‌توانند بوده و از نظر این صفات از پروان خود برتر باشد. از جمله، هوش، بلوغ اجتماعی و وضع دید، انگیزه‌های توفیق طلبی و نیاز به هدف، انسان‌گرای، بیان رسا و ناوند، ظاهر مناسب در این پژوهش، از نگاه مدیریتی به آثار ادبی و تاریخی نگریسته شده است. روش‌های مشابه و نظریه ویژگی‌های فردی رهبری در خصوصیات سلولین غزنوی و انسان‌گرایی آنها از لابلاه متن ادبی و تاریخی این دوره بین و تشریح شده. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا این ویژگی‌ها در سلولین غزنوی (محمود و مسعود و انسان‌گرایی آنها) وجود دارد؟ اگر نظریه‌پردازان این پژوهش همان نظریه ویژگی‌های فردی رهبری است، آنچه این تحقیق نشان می‌دهد و نمونه‌های آن بتوان از این ا唯ل است، این است که سلولین غزنوی دارای ویژگی‌های مزدهر از جمله هوش و وضع دید، انگیزه‌های توفیق طلبی و نیاز به هدف، بیان رسا و ناوند، ظاهر مناسب بوده و نمونه‌های انسان‌گرایی آنها در مقابل سازمان‌های ایرانی می‌دهد که مطمئن‌کننده مشهور است. این سلولین‌ها به کلی از این خصوصیات خالصه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: هدایت و رهبری، ویژگی‌های رهبری غزنویان، آثار ادبی.
1. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و در این رهگذران ناگهانی از دو جنبه است: یکی ارتباط و دیگری تأثیرگذاری و تأثیربرداری. انسان به عنوان عضوی از جامعه بشری نمی‌تواند و نمی‌خواهد که به تنهایی زندگی کند و امور و مباحث خود را تامین کند. علterior بر این، انسان به‌نهایت قادر به رفع مشکلات و تیزتری خود نیست و در زمان و فضای نیز دارای میل به اجتماع و زندگی اجتماعی است. در رهگذران همین اجتماعی است که انسان ناجار به ارتباط با دیگران می‌شود. تحسین اقزاری که انسان به وسیله آن با دیگران یوند می‌خورند، زبان است. با زبان است که انسان داشته‌ای خود را به دیگران انتقال می‌دهد و از دیگران می‌آموزد؛ زبان است که حال درونی شخص را آشکار می‌سازد و به قول سعدی که می‌فرماید:

کلید در کمتر مشاهده
که جوهر قورش است یا پیشهور

(گلستان سعدی:۱۳۸۴:۸۵)

انسان از مجريات زبان نمی‌تواند خواهد با شنوادن ارتباط برقرار کند، بلکه می‌خواهد این ارتباطات با یکدیگر آشنا و ارتباطی با این نفیز در درون شنوادن ممکن است. بی‌بین سبب برای ارتباط با پیامدهایی و نفوذ در درون شنوادن نیازمند زبان ادبی و یا به عبارتی نیازمند سخت‌تان ادبیات هستیم که به مدل به‌شناخته‌ای یا به‌ویژه‌ای شنوادن را در راستای اهداف خود برانگیزیم و این ادبیات است که می‌تواند انسان را به زبان‌باف و مؤلفانه مسلح کند.

چندین سیستم از طریق ادبیات در زبان متمایز ارتباط با برقرار کردن (امیری:۱۳۷۱:۳). این جستجو که ادبیات با مدیریت‌پذیر می‌خورند و مدیری را به ارتباط به‌پایان و سلاح انگیزش مسلح می‌کند.

بعضی ادبیات را به بیان چند بست شیرآ می‌توان ادبی محدود می‌کند که یانگر احساس و عواطف شخصی یک شاعر است. گنجینه‌ی کریم‌بی‌بابایی داری، مجموعه کم‌نظری است که اگر آنه یک جایزه از تحقیق و تحقیج به آن بگیریم، بسیاری از آنچه در علمی گوناگون به‌ویژه علوم انسانی مطرح است و مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آن بایست می‌شود، زیرا در رویکرد گذشته علوم گوناگون محدود و در مقایسه مشترک و نویسنده‌ای ادبی در این علوم اطلاعاتی داشته‌اند. به طبع این علوم در آثار آنها بازتاب

دشته است.

جستارهای تاریخی، سال چهارم، شماره یک، بهار و تابستان ۱۳۹۲
در گذشته، کارگردان‌های ادبیات را فقط امری زیمتشاخی می‌دانستند و به وجة لذت بتخوشی آن
توجه می‌شد، اما امروزه دیگر کمتر کسی است که کارگردان هنر و ادبیات را فقط لذت بتخوشی
آن بداند. هر اثر ادبی بازتاب اندیشه‌های شاعر به نویسندگان ادبی است و از روزهای ابتدا
نوده شده، از دوستانه‌ی خود هستند. از نظر امکان‌های عالی‌تری به این نظر تأکید می‌پذیرند و
تبریک‌گزاری بر جامعه‌ی تازه‌ای ادبیانه‌ی خود، از محیط اطراف نیز، از همین منظره است که ادبیات
هرملی را آب‌یاری نمایندگی می‌کند. آینده‌ها، تلاش‌ها
و اندیشه‌هایی که هم‌سازی انسان‌ها می‌دانند، (رنجری کلرودی: ۱۳۸۲: ۲-۳) بنا برای که
اراده کارگردان خاصی دارد و به هر حال به شکل‌هایی متفاوت، به‌طور مداوم به راه‌ها و راه‌هایی
مسیر روان‌های بوده است و با شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و نیز تشکیل روستاهای
شهرها و ولایات، دانش مدیریت و سوختگی اثر ادبی است
(گوردزی: ۱۳۸۷: ۱۸).

با نگاهی به تاریخ زندگی پیش و پس از رهبر، به یکی از مهم‌ترین مدیریت بکر که به مفهوم کلی و علمی
آن، سناصیبی برای یک شرکت زندگی انسان دارد و «برخی از هنرمندان» باید مشاهده شود. پدیده
انسانی نسبت به برای پیامدهایی که هنر مدیریت، با شکل‌گیری نهاد خانواده
مطرح شده است، (رضاییان: ۱۳۸۲: ۲۰۵) و اولین سازمان اداری، خانواده و اولین مدیریت،
سرپرست خانواده بوده است. با یکی از گروه‌های اجتماعی و نیز تشکیل روستاهای
شهرها و ولایات، دانش مدیریت و سوختگی است. (رنجری کلرودی: ۱۳۸۷: ۱۲) و آن‌ها
پیش رفت‌های این امر را که امروزه یکی از نیازهای ضروری زندگی پیش‌رفت‌های است
مدیریت و رهبری در ادبیات فارسی را با دربارا مورد توجه خرده‌می‌نماید و دانشمندان بوده
است و دربارا آن بر عواطفی بسیار در موضوع حکم عمیق. سخن برای فراست
است. بسیاری از ادبیات زیر و بویژه با توجه به تصمیم‌گیری‌هایی که بر روی اثراتی این
زیبا و رضا تالش کرده‌اند به حاکمان روزگار خوشی به گونه‌ای غیر مستقیم چگونه
مدیریت و رهبری را یاده‌می‌زنند و برخی مستقیماً درصد توصیح کمی حاکمان برآمده‌اند و
به آنان شهوه‌های کارآمد مدیریت و رهبری را گوش‌خورده کرده‌اند.
مدیریت به شکل مدرن و پیشرفته کنونی، بعد از انقلاب صنعتی در بین سال‌های
۱۷۸۰-۱۷۰۰ در انگلستان به وجود آمد. رشد سریع جمعیت، نیاز به برپایی بازارهای و عرضه
جستارهای تاریخی سال‌های ۱۷۰۰-۱۷۸۰، شماره یکم، بهار و تابستان: ۱۳۸۲.
کالاهای مصرفی را به وجود آورد (رضاییان، ۱۳۸۸: ۳۵) و توسعه فناوری و اختراعات
گوناگون، تأثیرات شهری بر صنعت و بازرگانی کاشت (سیدجوادیان، ۱۳۸۴: ۵۷) که
باعت شد مدیریت در سال ۱۸۸۱ به عنوان یک رشته تحقیقی خاص و مستقل به دانشگاه
را به (نیرومند، ۱۳۸۳: ۴۰).

مدیریت را به گونه‌ای متفاوت تعیین کرده‌اند: گروهی مدیریت را علم و هنر
همانگی کوشش و تلاش اعضای سازمان و استفاده از منابع برای نهایی به اهداف معین
توجه کرده و گروهی دیگر آن را در قابلیت‌های وظایفی که برعهده‌اند، سازمان‌دهی،
همانگی و ... میان کره‌های (الوانی، ۱۳۸۱: ۱۷) نخستین گروهی که برای مدیریت وظایفی را
تعیین و تفکیل کرده، هنری فایول (Henri Fayol) فرانسوی بود. هنری فایول
است که درآمد مدل که به وظایف یا کارکرد، تلقی می‌کند و تعیین کرده است. اما پنجم
وطیفی اساسی در مدیریت نشان داد: ۱. برنامه‌ریزی، ۲. سازماندهی، ۳. هدایت و
رهبری؛ ۴. هماهنگی؛ ۵. کنترل (علاقوی، ۱۳۸۵: ۱۷). وظایف مدیران شامل برنامه‌ریزی,
سازماندهی، تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل، هدایت و ارتباطات است.

۲. هدایت و رهبری سازمانی

نخستین بار هنری فایول اصطلاح رهبری را تحت عنوان جهت‌دهی (Directing) دستوردهی بی‌جو (Management) به عنوان یکی از وظایف پنج گانه مدیریت مطرح کرد. سپس، واژه هدایت
(Leadership) به عنوان معادل کلمه وارد می‌شود که رهبری معنی شد و ارتباط و رهبری به
جای هدایت، جهت‌دهی استفاده می‌کند.

بحث رهبری و تأثیر آن بر نتایج سازمان طولانی‌مدت، مدیریت و رهبری بررسی
و بحث صاحب‌نظران این رشته بوده است: به طوری که متخصصان رهبری راهبردی
گوناگونی را برای شناخت موضوع رهبری و ارتباط آن با رهبری اکنون اقدام به
و بر مبنای آن نظریه‌های متعادلی را ارائه کرده‌اند (Golman, ۲۰۰۴: ۷۳). در رهبری، یکی
از مفاهیم مهم و ترویج و تفکر، اکنون به‌عنوان راهبردی و فنون ابتدای را می‌توان نام برد که باشد
که رهبری باید به حساب باید (Horner, ۱۹۹۷: ۱۰۵) از نظر فرهنگی و احترام به
جهت خصوصی‌های رهبری به حساب باید (Golman, ۲۰۰۴: ۷۳).

فرانکروفت از نظر دست‌پدیدن کنند و مهم‌تر اینکه آن را به عنوان دیدگاه و آرمان خودشان
جسترشانه‌تر خودشان، سال چهارم، چهارمین استادیوم، پنجم، ۱۳۹۲.
پژوهش اولین و دیگران

پذیرفته و درک کند (48:999) اما «ییکی از اساسی ترین وظایف رهبری و مدیریت، هدف و سیر مشیتی نیروی انسانی سازمان است» (سیدجوادی، 1387:135).

امه‌یت هدایت به حذی این است که برخی از صاحب‌نظران علم مدیریت هم‌مدیر را در گروه‌‌های یا در حوزه‌های انسانی می‌دانند. شبیه‌های رهبری به شدت تحت تأثیر می‌باشند. فرهنگ جوامع قرار دارد (رضاییان، 1388:134). (تالش مدیر برای ایجاد انگیزه و رغبت در زیرساخت جهت دست‌یابی به اهداف سازمان با ارزش‌های فرد و ارزش‌های حاکم بر جامعه از نظر می‌دانند (سیدجوادی، 1384:131). به طوری که می‌توان گفت شباهت‌های رهبری ومدیریت در هر تمدن، جلویی‌ای از ساخت فرهنگی آن تمدن است» (رضاییان، 1388:132). اینجاست که اهمیت آثار ادبی به یادبودی این روش و نحوه رنگ‌گذاری و تعامل و افراد جامعه به هم درک این است، مسئلهٔ می‌شود. در آثار ادبی به شکلی هنری نکته‌ای مدیریتی، اقتضایی، اخلاقی و ... بیان می‌شود و در واقع فرهنگی پی که جامعه در آن منتظم و مستحکم آن جامعه باید دارد که در اینجا بر روی و یا به‌طور همبسته رهبری...

در دوره غزنویان تمرکز شده است.

1.2 تفاوت مدیریت و رهبری

رهبری را توانایی ترغیب دیگران به کوشش مشتاقانه جهت هدف‌های معینی می‌دانند (سیدجوادی، 1387:135. حال اگر این نفوذ برای نیل به هدف سازمانی باشد آن را مدیریت می‌نامند (رضاییان، 1388:132). در رهبری اهداف می‌تواند تقریباً باشد ولی در مدیریت، اهداف سازمانی اولویت دارد به دیگر سخن در رهبری سلسله‌مانبت مطرح نیست و رهبری می‌تواند عضو سازمانی باشد. مثلًا، گر فردی در رده‌های عمیق‌تر بر تصمیم‌گیری عالی سازمان اثر بگذارد، در آن صورت آن که این مورد، رهبر است و مدیر عالی پیرو (سیدجوادی، 1385:131) یعنی از هر ویژگی‌هایی که فردی موثر به نفوذ در دیگران گردید، در واقع به گونه‌ای اعمال رهبری کرده است (رضاییان، 1387:138). بنابراین، مهم‌ترین نکته در رهبری، جهت دانست و اهداف بر اعضای سازمان است. حال این بررسی پیش‌تر می‌آید که چگونه می‌توان دیگران را تحت تأثیر قرار داد و در آنها نفوذ کرد. در جواب باید گفت که نفوذ در دیگران از دو منشأ توسط می‌شود: یکی قدرت یکت و مقام و دیگری قدرت شخصی است (سیدجوادی، 1388:131). برابر معنی که شخصی با داشتن یکت می‌تواند دیگران را تشویق یا تنیه کند و یا یکی داشتن و به‌팀‌های هم‌فرمایی فردی مشخصی در...
6 بزارت هدایت و رهبری در آثار ادیب در خصوص سلسله نغنوی

در آغاز دوم است در پایخ به این شبهه که تصویرهای ارائه‌شده‌ای با نسبتهای در دیوان اشعار شاعران، همگی افراد و سایر شاعران است، باید گفت که اداة شهرهای برگزی یک سلسله شعری در اطراف و اکتفاف جهان فتح کردند و افراداند بر آنها و بهکارگرفتن نیروی عظیمی که در اختیار داشتن بل و سیاست کامی نازی و بوطریم، و سنت فلسفه و انگیزه‌ی که حکومت خود یا امیر منوری سامانی به اثر برهن و پروین، یا منطق‌ریا را اما که به این امیر منوری برگ بودن پرآخت و مدیریت گوی نیم‌توانست اداره شود و مطلوب تابع‌نامه‌ای در رأس مدیریت آن بوده است. از طرفی وجود شاهد، قرارن و آمری است از تعداد سپاهان جنگ‌ها و نشکرک‌های عظیم و فتوحات باید در دیوان اشعار شاعران، بیانگر این موضوع است که شخصیت انساکیان سلسله در این آثار به تمامی افراد و تصویربرسانی‌های شاعرانه نیست، بلکه این شخصیت و خصوصیت‌ها در وجود آنها بوده و شعر با مختصر استفاده از وسایل شاعرانه و تصاویر حکایت، توانسته‌مند صحن‌های ب پدید آیست خصوصیات در اشعار خود ترتیب دهد. (صفاءالله، 325:1379). البته، بزارت‌های حکایتی افراد به وظیفه شعر و نثر این دوره (سیاه پوشانی) به مورد، زیرا:

بر اساس مشاهدات این است که در شعر گونه ندان فریم و اولین قرن نیک، نگارگری مظهر طبیعی یا توصیف جاها و شهرها، و قرارداد تاریخی یا توصیف جامعه بهروشی دیده می‌شود. شاعران این دوره، شاعران درباری بودندان، و غالباً در درگاه سلطانی و نزدیک به مرکز قلم سیاست مملکت به‌سروی سپردهان و در لشکرکشی‌ها و سفرهای دیگر در ضمن فتح‌های‌ها و مدد و در حقیقت مشاهدات خود را به شرح در مریم وردهان و جورون از مختصات شبه‌اتنها نگارگری و بیان جنبیت‌های موضوع است، آنچه در ضمیمه داشته و نیز...
مشهود و اطلاعات آنها به طرز روشی در اشعاران منفعت‌کننده است که امرور نمودار اوضاع آن روزگار تواند بود (یوسفی). (۱۳۷۳: ۳۷۹)

در نتیجه، خصائصی که در مورد رهبری بیان شدهاند، بسیارند، ولی می‌توان آنها را کل‌اً در سه گروه خلاصه کرد و ما در اینجا مورد نخست را تطیق داده شده است.

الف. نظیره‌های ویژگی‌های فردی رهبری;
ب. نظیره‌های رفتار رهبری;
ج. نظیره‌های موضوعی و اقتصادی.

۱.۳ نظیره‌های ویژگی‌های فردی رهبری

این گروه از نظیره‌ها، رهبر را دارای ویژگی‌های ذاتی می‌دانند (الوانی، ۱۳۷۱: ۱۱۲) و بر این باورند که رهبران باید صفات ویژه و ممتازی دارند (رضی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۲۵) و امیدواری‌های هستند که به علت ویژگی‌هایی که موهبت‌های لیبر است، شایسته رهبری گردیده‌اند (الوانی، ۱۳۷۱: ۱۲۹). با توجه به همین مقوله است که رهبری به دو دیگر شایعات درباره‌ی جابه‌جایی سلطان محدود را تا حدی به‌کار نمی‌برد. این راهکار به عنوان مثال اکتیف کردن توانایی در ابتکار محدود است سلطان محدود در این جمله، در مراحلی از سفر سومانات که عبور دادن سیاه‌های توسعه سلطان محدود از آب دریا به معجزه حضرت موسی و عبرت‌های پیروان خود از رود نیل تشییع می‌کند:

برابر یکی از معجزات موسی بود
شده عظم را جوی ميعجرودیسته است
چنان‌که بدر با کربد دیرها که باد
آن چه‌ای این کرامت او چنین یک
دربا را به معجزه حضرت موسی و عبرت‌های پیروان خود از رود نیل تشییع می‌کند

جستارهای‌های تاریخی سال‌های شماره‌ی لاهی، بهار و نیشابور ۱۳۷۲.
خواهند دید، پناه‌نشست راه از دست چپ است; بدين سوي روی نهاد و يک دو ميل براند
ولي ناگهان از راه رفعه پشيماي شد و استاد و از دست راست روشنپي ديدم آمد و هميه
بديدند، كه سلطان بيغ يان روشنپي را گرفت تا يكيب روز نو شد و ساري یورد و جاي سبي
پديد آمد و دل سياه از رنگ تنشگي آزاد گشت. آنگاهي مي گويد:
كرامتي نينود به آرزو و سلطان را
چيني كرامت بايدن نه هفت، خود هفنداد
(حرفه: ۳۷۸: ۲۸۵)
و يا تاریخ بی‌قیمت یزد این نکته تایید می‌شد و مگر یک بی‌قیمت یزد که چنان برداشتان
و احوال و داستان ایشان به جوی خانگان است و آنچه ایشان تبدیل، اگر نوادگی دیده,
(حرفه: ۱۳۶۸: ۳۲۴ و سلطان مجمود و مستعده در هم می‌زدمنه‌ها از چاله در مهده‌سی
(همان: ۱۳۶۹: ۲۸۳، اختلاف (همان: ۱۳۸۹: ۱۶۷)، شرم و حیا (همان: ۱۵۶ و امور
نظامی (همان: ۲۸۰) مافوق همه می‌پندارد که البته با توجه به ایذه حکومتی بدان بزرگی، در
اینکه سطح داشته‌هاي آنها از عووم باانتر بوده را نمی‌توان نادیده گرفت، به هر حال، اين
نظره که در علم مدیریت نوین ارائه شده است و برای رهبران صفات ویژه‌اي قابل شده‌اند.
در بطن افکار قرون وسطا نیز وجود داشته است.

فهرست این کونه صفات [در مدیریت نوین] به‌درجه به فهرستی طولانی تبدیل شده است; به طوری که حتی خود محققان در مورد یک فهرست جامع و مالک، اتفاق نظر ندارند

۱.۱.۳ هوش
معمول، رهبران از پیروان خود باهوش ترند و چون با توجیه و تجزیه و تحلیل مشکلات و مسائل
سرکار دارند، باید افرادی باهوش باشنند. در تعیین اولیه «هوش» را معمولاً توانایی‌های
باقلوا عقلانی افراد تعیین می‌کنند. اما در سال‌های اخیر دیدگاه‌های متغیری در خصوص
هوش» ارائه شده است. یکی از این دیدگاه‌ها، نظریه «هوش چندگانه» است که هاوارد
گاردنر (Howard Gardner) ایجاد کرده است. بر طبق این نظریه، انسان‌ها دارای انواعی از
هوش هستند و بر همین اساس، آنها شهرتشان را در سال‌های مختلفی می‌گذارند. برای
به‌دست آوردن قابلیت‌ها و استفاده‌ها یک فرد، نیازی نداشت که برای IQ (智商)
پرداخت، بلکه باید انواع هوش‌های دیگر را نیز در نظر گرفت. بنابراین، بر طبق نظر گاردنر
چنانچه فردی در زمینه‌های مختلف قابلیت و استعداد باشد، فرده باهوش تلقی
جبهه‌های تاریخی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲
می‌گوید. البته، روان‌شناسان دیگر از جمله استیلر این نظر را در یکی از مطالعات خود نیز به این نظر هستند که کسانی که در کار ایجاد و توانایی راهبرد، در کارهای دیگر نیز شایستگی از خود نشان می‌دهند (شیری، 1384: 16-18). بنابراین، نمونه‌هایی برتری و استعداد سلطانی‌گرای غزنوی در زمینه‌های مختلف زیر عنوان هم‌آمد این بیان‌ها است. البته، انتقاد غزنویان از یکی از مرزهای مدار مدار حکومت (حاجی و غلامی) به بالاترین رتبه‌های آن یعنی پادشاهی، نشانه این است که همچنان و دکاوت آنها از عوام مردم بالاخره بوته است.

به‌خیال در جاهای مختلف تاریخ خود، بر این نکته تأکید دارد و پادشاهان غزنوی را در خصوص‌هایی که گووند، برتر و موفقیت‌های دیگران می‌دانند: آن‌ست که حق‌گرا، آن‌ست که به‌عنوان عادت‌های و عادات انسان‌های نه سر دیگران است و آن‌چه آشایی بینند کس نتواند دیده (به‌خیال، 1384: 32). در ذکر نمونه‌ها برابر جلوگیری از اطلاع کلام، به حداقل اکتفا شده است.

1.1.1.3 1سرآمده در فنون و خصائص‌های مختلف

چگونگی:

شاعر در ایبای زیر مجد و دخوی را از جهت چاپکی، شدت و تأثیر در جنگاوری به‌باد و آتش تشیبی می‌کند.

روز هیچ‌یک، که برجسته ز نیمینه، نخورد چون زبان‌پیپ ز لب‌ه

(فرخی، 1371: 14/17)

همچنان باشد که اند صرف لشکر‌شور

(عصری، 1363: 25/26)

مهمت در امور نظامی:

امیر رضی الله عنّه آیتی بود در باب لشکر کشیدن (به‌خیال، 1384: 176).

مهمدردی:

به‌خیال پادشاه را در زمینه تنش‌گرای و انگیزگر و نوآوری برجسته می‌داند و کنار که در غزنوی بوته است و نشانه آن را سلطانی‌گرایی، گوهر معرفی می‌کند.

هنگامی در ایبای کا چه سلطانی‌گرای غزنوی را که بسیاری از این‌گونه از یک‌سان‌های چهارم، شماره‌ی نوبهای برادر و نوبهای برادر، برای این‌که بسیاری از این‌گونه برادر و نوبهای برادر، برای این‌که بسیاری از این‌گونه برادر و نوبهای برادر، برای این‌که بسیاری از این‌گونه

می‌یند. ما گوهر می‌بخشه بسته است و این ملک در هر کاری آیتی بوده (همان: 181).

جستارهای تاریخی، سال چهارم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان 1392
پانزدهمین کوشش نشان دهنده حجیج‌چای و هیچ‌پدیدهی چنین با نتایج متفاوت و همچنین به دانش و هنری خوش‌واین و خاطره‌های این کشور به دست‌های خوش‌واین، که در چنین ادوات و خصوصاً در هنری آن با بارضی‌الدینه، (همان: ۱۸۴۹). تاکیداری:

در نوشتن و کتابتی‌ی مهارتی داشت که به قول منوچهری قلم در دست‌انش چون
اسیری، دوستان را بلندمرتبه و دشمن را ذلیل و خوار می‌کرد.
وان قلم اندی بیان‌گر گم عزت و گمهش شنیم دوستان با اعتزار (منوچهری: ۱۳۸۵، و نیز ایباهات)،
و به قول بی‌فکری عهدنامه و سوگندنامه‌ها را چنان به‌رهی که در آن نیکوت‌نیودی جان‌که
دیپانه استاد در انشا آن عادی آمدنی، (به‌فکری: ۱۳۸۵، ۱۴۱)؟ لئی، هنر و ملکتی‌ی ما [امیر مسعود] امرزو نادره روزگار است خاصه در دست‌نیست و نامه فرموند و
سیاست و تدبیر و مملکتی‌زاری:
در زمینه‌ی اداره مملکت و تسلیم در اوضاع و احوالی این رئیس و برخی رئیسی می‌داند.
یخ‌گاه باید کرد تا احوال ایشان بر فرماهی خدای ره‌است و می‌تواند در نرم کردند گردیده و بقی‌ها
و کرمان کردند دست محلی‌ی و ساختنی‌ران (هنمان: ۱۱۷).
ک‌ب‌ه درخت گرس سیاست او
خوون شدید آب و ریگ خاکستر
(نصیری: ۱۳۳۵، و نیز ایباهات: ۲۰۰۹ و)
ک‌س‌ت‌رین تدبیر یا را کشیده برای برگ‌ (فرزین: ۱۳۷۱،)
ک‌س‌ت‌رین فرمان یا را لسنگ‌برایند گران
(فهرست: ۲۷۶/۵۴۷: ۱۳۷۲)
علائم به سران خلیل مخلّد کند همی
را متوافق و نسبت و اعتقاد او
ابوالکله کاره به رای فساد است
(منوچهری: ۱۳۸۵،)
کارشناسی و کارگشا:**
ک‌س‌ت‌رین روزگار کنار
(فهرست: ۱۳۷۲/۱۵۷: ۱۳۷۲)

عقل مداری:

دام بود هواهای تن ترا اسیر عقل
اندی که نیست عقل هواهای ترا اسیر

(مروی، 1385)

2.1.3 بلغو اجتماعی و وسعت دید

بلغو فکری و بناندنظری رهبر یاد در حبی بادش که بتوانند از روی قرآن و شواهد تا حدا
اینده را بینبین و برای آن برناهموزی کند و به اصطلاح دورانگشایی باشد و دید، خود را
محدود به زمان حال نگریاند تا در آینده با مشکل مواجه نشود و نیز رهبر یاد از صیر و
قدرت تحلیل زیادی برخوردار بوده و از جهت عاطفی بیانات و دارای اعتقاده‌نفس و
خویشتن دار بادش.

ابن خصیص نیز کم و بیش در محمود و مصطفی و کارگران آنها وجود داشت که کمی
از بارزترین نمونه‌های آن، بیش‌ترین ای است که بونصر مشکان قبیل از مرگش با توجه به
اوضاع ناسیمان مملکت درباره جنگ دنیالاقان» می‌کند و اتفاقاً تمام موارد پیش‌بینی‌ارش
آنچنان محقق می‌شود که باعث خبرت بیهقی و پایان‌آورند. 

ما از هر آن برخی و پس از هفته ماه به دنیالاقان مری آن هزیم‌و و حادثه پربرک افتاد و
جندی ناکامی به این و بوشهر در راه چند بار مرا گفت: سیاه‌انگلی عظیم! چه روش رأی
مردی بود بونصر مشکان گفت این روز این میدید که ما در اینم (بیهقی:۱۳۸۲)

و بوشهر زوخت در رثای او گفت:

در می‌بود که رفت! خرده‌مند و دورانگشای بود (همان:۸۱).

انچنان که می‌بینم، محمود به یزنگنه نخست پسر مصطفی را به جانشینی خود انتخاب
کرد و با یک انتخاب زرف‌نگری و دیوان‌نگاری خود را ابتدای کرد. هرچند، بعد‌ها بودگویی
اطرافان و کیهان‌ورزی آنان نسبت به مصطفی همواره حجاب، مانعی بر دورانگشای سلطان
محمود بود، در نهایت آنانگری او به وقوع پیوست و مصطفی بر تخت سلطنت نشست و
این تغییر نظر خلیفه پر دورانگشایی محمود وارد نمی‌کند. زیرا او بدون دخالت غرب ورزن
با نگاه تیزی خود قدرت اداره کشور را در مصطفی میدهد.
با توجه به همین اعمال و آثار امری که عنصری شاعر امیر نصر، برادر سلطان را
«غیب گو» و «پیشبين» می‌داند:
گمان می‌برد، ز آنجه دشمن سگالد
(عنصری، ۱۳۸۱:۱۶۷) 
به کار اند حکیم پیشین است
ببار اندر امیر بی‌خبر است. راد
(همان: ۱۳۸۲:۲۴۵)
خویشتنی داری در برابر سختی‌ها:
از نشانه‌ها و علایم بلوغ اجتماعی فرد، اعتیاد‌نگاشت، و خویشتنی از انسان، فردی که
به جد بلوغ و رشد فکری رشدید باشد، می‌تواند می‌تواند مصایب و سختی‌ها را بپیشر تحمیل کند و
به اصطلال آستانه تجمل شدید است و در واکنش فرد سرد و گرم چشیده و دوران‌نگاه دیگر در برابر
مشکلات مقاومت است. از تنوه‌های خویشتنی داری سلطان محمود، مقاومت در برابر
بیماری‌ها در اواخر عمر و پرداختن به امور جاری حکومت و رهان‌کردان عنوان ممکن
است که نشان از اعتیاد‌نگاشت و تحمیل بالا در مقابل مشکلات و سختی‌ها دارد:
محمود فتاحی دبیر خویشتنی داری اوج می‌گردد، دو سال تمام از این بیماری رنج می‌کشد
وی تسلیم آن نمی‌شود و سعی می‌کند که بیماری خود را از ملت یهبان دارد. علی‌رغم
اعلام خطر پزشکان ـ که او را به استراحه هم در بیماری فکری پرده در هر جایی تنها بیماری
کارهای چاره روزانه را با یک چشمه انجم دهد... سلطان در تاریخی طولانی اش
نروی تحمیل شکفت‌آوری از خود نشان داد و از خفت‌هایی در بستر، مانند بیماری‌اندام، انتفا
ورزید. روز و شب در حالی که اطراف او با شیب‌هایی نهاده بودند پر تخت نشسته بود و
آخرین نفس را در همین وضع کشید. مرگ سلطان محمود نزدیک زندگی‌ها هم‌اکنون
دشت. مظهر اعتیاد‌نگاشت، به‌بیماری و جراحت فطری، تحییر مشکلات و مبارزه با
مشکلات بود (پویسی، ۱۳۷۳:۲۳۵)
و با صبر و تحمل که در طول زندگی در وجود خود کاشته بود، این چنین در برابر
بیماری و مرگ نیز مقاومت می‌کرده.
امیر مسعود نیز با قراردادان خود در شرایط سخت و دشوار و تحمل رنج و سختی
جستارهای تاریخی، سال چهارم، شماره اول، پیام و نامه ۱۳۸۱
طاقت فرسا خود را با مشکلات مأموری که تنگان بر خود مسلط باشد و به راحتی در مقابل مشکلات تسیم نشود و در واقع اعتماد‌های خودش باشد.

هم بدان روزگار جوانی و کودکی... روشهای سخت صعب سرد و بر فر نیک قوی و آنجا رفت و شکار کرده پیاده شد، چنانکه تا میان دور نمایند پنج دیده که جر سگ خاره بملق آن طاقت تدار و یا در موزه کرده برهم در چنان سرما و شدت و گفتگو بر چنین چیزهایی باید کرد تا آگر وقتی شدت و کاری سخت بدید آبد مردم عاجز نمانند.

(پیکه، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۰.)

و این خصوصی مضمونی جالب برای شاعران دریایی است که پایان آن را در اشعارشان می‌پیماید. در ابیات زیر شاعر تسلط معمول خود را بر نفسش می‌شیرد و حلم و برداری او را مسلط بر خشمش می‌داند و در واقع او را خوشش‌نداز و بااعتماد‌های خودش می‌شیرد:

گر برو حل همینستی اغلب? (فرخی، ۱۳۸۱: ۱۳۶۴ با نیز ابیات ص ۳۲۶)

بخشیدن اندر حلیم و برداریست

(عصری، ۱۳۸۳: ۲۲/۲۳۳)

نیام! حلیم و اندر میان او پاسشن

(هنم: ۱۳۸۲/۲۴۲)

کالک نوز نور کالک زا ما

(مروزه‌پری، ۱۳۸۵: ۱۳۶۲/۱۷)

شبان در پاداش و تأکید در مجازات:

تأکید در مجازات جز می‌تواند مظهر صبر و تحمل باشد و بدین سیله است که پادشاه از خطای زیردستان خود مگدرد و نبودهایش را حفظ می‌کند: شبان-کارتر از باد وقتی پادشاه

(هنم: ۱۳۷۷/۲۴۲)

نکنند تندی وقتی که کند پادشاه

(هنم: ۱۳۸۰/۲۴۲)

جستارهای تاریخی: شاهدهم شماره: لی، بهار و نابنده ۱۳۸۳
2.1.3 انگیزه‌های توفیق طلبه و نیل به هدف

رهبران دارای انگیزه‌های قوی برای موفقیت بوده و توفیق طلبانه و از دیدگاه روانشناسی نیز این افراد همواره در پی فرضت هستند و برای به‌دم‌آوردن خواسته‌هایشان پیوسته تلاش می‌کنند (شاهرخی و اوت، 1379: 420) و میل قوی و شدید برای دست پایی به موفقیت دارند و این میل و خواست درونی از مهم‌ترین عوامل ارگانی بر رشد و توسعه جوامع شمرده‌شده است (علی‌پور، 1385: 239).

توفیق طلبه:

جملات زیر درباره امیرحسین است که در روزگار کودکی، شجاعت و انگیزه‌های قوی برای جانشینی پدر از خود نشان داده و این خود نمونه عالی توفیق طلبه است:

وی پیش پای کارهای برگ کرد و انگیزه‌های ر مدختی فرآیند دوم، و از پشت این پیش مبارز ریود و چون گروهی از ایشان بر پرچم از فلقت بودند یک چوپه تیر بر حلق وی زد و او بدن کشته شد و از آن پرچ پیفته، پارشیان را دل بشکست و حصار را به در و سپر آن همه یک زخم مدردن بود (بهبهانی، 1384: 136).

توفیق الیه:

انسان هر چند اراده کند و از خود شاپوشک گر و انگیزه نشان بدهد و نهایت تلاش خود را به کار بندد تا موفقیتی به‌دم‌آورد، اگر توفیق الیه همرأه نشود این مهم امکان‌پذیر نیست:

کفتنم که؟ بود یارم اما را به روز رزم؟
(عصری، 1363: 1245/ 236)

عزم و اراده قوی، نشان از توفیق طلبه دارد:

حصار دشمن از این استوارست
(همان، 1360/ 22)

보고 که‌هستش انداد مشترکان سبهر
سخن با واسطه بپدا کند هموی به سفیر
(همان، 13821/ 26)

گر نبودی عزم او دولت نبودی پیشرو
ور نبودی جزم او ملت کت نبودی استوار
(همان، 1378/ 78)

جستارهای تاریخی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان 1392
4.1.3 انسان‌گراىی

انسان‌گراىی و تأثیر‌گذاری بر ارزش‌های انسانی ویژگی‌هایی که در سطوح مختلف انسان‌گراىی‌ها و راه‌هایی در اینجا ذکر یک چنین ضروری است و آن اینکه منظور از انسان‌گراىی به معنی انسان‌گراىی در مسیر سازمان است. در اینجا

آن یعنی انسان‌گراىی است که با تلاش مستمر و با سهولت‌های و کم‌گیری می‌تواند در

کارآیی سازمان تأثیر مستقیم داشته باشد و با توجه به اینکه بر دیگر مبنا سازمان مسئول

است و در واقع منابع دیگر در اختیار انسان‌گراىی است، جایگاه نسبت به دیگر سرمایه‌های

سازمان بیش از پیش حائز اهمیت است. بنابراین، توجه به انسان و ارزش‌های او جزوی از

سازمان است و موجود در مقابل سازمان.

اثبات‌های اسلامی مدریم:

از آنجاکه صاحب‌نظران علم دیدریت، نیروی انسان‌ها را باید ارزش‌ترین سرمایه‌های

سازمان می‌دانند. برای اینکه انسان جایگاه و اهمیت ویژه قائل به‌شکل مثبت اسلام نیز ارزش‌های انسان را

نتان جایگاه می‌داند که ای را اشاره مخلوطات و خلاف‌الله الهم می‌نامد. و هدف از خلق خاله

تیم‌های مجموعات را معاون و سعد، و کمک انسان معتبر می‌کند و این نظریه را که امر

دانشمندان علم مدیریت مطرح‌کرده‌اند. در واقع ثقافت نظر اسلام است که در جهاده قرن

پیش مطرح شده است و با توجه به آثربخشی زیان و ادیب‌های فارسی با می‌توان دید، این مورد

در ادب ما نیز بارتاب و مبنا دارد. یکین نتیجه ما این نظریه را زیرمجموعه‌ای از اخلاق

اسلامی مدریم‌می‌دانیم.

انسان‌گراىی به جای سازمان‌گراىی:

همه انسان‌ها به صرف انسان‌بودن، بدون در نظر گرفتن جایگاه شغلی و اجتماعی‌شان از

ارزش و احترام واقعی بروخوردارند. بنابراین، مبناپایی نیروها به تاکید انسان‌ها به

مثل انسان رفتار کند و رعایت این اصل در حکومت‌های که خود اسلامی و مناسب به

اسلام می‌کند. ضروری‌تر به نظر می‌رسد که بتوان انسان‌های انسانی نیروهای سازمان

با اعتبار افزایش کارآیی و در نهایت خدمت به خود سازمان است.

در سطوح زیر، امر مسعود با گذشتن از لغزش‌ها و اشتباهات رعایت و مدیران خود،

نیروهای سازمان و حفظ آنها را به عنوان ارزش‌های سرمایه‌سازمانی باهمیت‌تر از خوب

سازمان می‌داند:

جستارهای تاریخی سر به سر، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲
بازتاب هدایت و رهبری در آثار ادبی در خصوص سلسله عزرخانی

چون حاصلی بدین یژگری از آن وی بر آن پادشاه امیرمسعود عرضه کردن، گفت: طاهر
مسوتی و بوسیده را بخوانند... طاهر بایبد نارمران و باز مسعودونا مزا هزارهزار درم
برون اند، که امیرمسعود را هشت و شانزده هزارهزار درک کرده و یا سایر است و
چه چیزی پیا بیست فرمانگی یا بیست و چه سال چیست؟ گفت
زندگانی خداوند دراز باز اعمال غزی درباری است که نمود و عقیده چیست و به
خدای غریبان که بند هیچ خیانت نکرده است... امیر گفت این مال به تو بخشیدم که ترا
این حق است خیر سلامت بخوانه بزرگر (یهیه، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

ملاطفت با زیردانستن و بخشش:

مربوط به نامه‌ای «خیره است که معبود به سران لشکر و مملکت نوشته بوده که
فرزانه مسعود! عاقب است. جامعی مسعود را از این نامه‌ها آگاه کردن و او به جای
تنبیه و تحذیر نویسندگان و حاملان و بیانیه این فکر شوم درباره معبود و عاملان
آن گفت:

اگر به آخر عمر چنین یک حفا واجب داشته و اندرینه‌ها را غرضی بود، بدان هزار
مصحت باید کرده و گفت که از آن ماه به داشته و سیاست زنل بفرو رفته است دارد. گفت
ایست اعرزشکه بر او رحمت که سیاه به خیل مارد هزار مربوط به ممکن تزیین و اما نویسنده‌ها را چنین
گاه نوا نهاد؟ که ماموران بودند و مامور را از فرمول برداری چه جاز است، خصوص پادشاه
و اگر ماه باید را فرمولی که چیره نویس آگه چه است. ایستاده و در آن باده، دارد که
نوسیم؟ و فرمود تا جمله‌ای آن مطلبه‌ها را پایه کرده و در آن کاری‌ها انداختند و اسب بران
و رکابدار را پنج هزار درم فرمود (هیمان: ۳۲). در هلم و ترمیم‌شان بود چنانچه یک سال بهبود آمده از فراشان تقشرها بیدا آمد
و گاهان تارک، امیر حاج جای ایستاده، ایستاده را
پرست چوب دید و نحای به چنین که هر یکی را پرستی چوب فرموده است، چکی
و برخی به‌رنگ خونرگشیدن و جمع به چوب پرده ببندن باگ آورد. امیر گفت هر یکی را چکی
چوب فرموده بودم و آن نیز بخشیدم، مزین، همکاز خلاقانه یافتند و این غایت حلبی
و کریمه باید، و همکاز اعتوق خن档ه (هیمان: ۱۵۸).

نفسو الهامي میدان:

آنچه در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که:

می‌باید با یک رفاق و نمونه خویش از ارزش‌های سامانه یابند و در عمل آن را نشان
دهد، زیرا کردار و رفتار آن‌الکه ممکن است در کارکنان خوشی است و در راه و روش و
فرهنگ سامانه تأثیر بسزایی دارد (نصر، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

جستارهایی تاریخی، سال چهارم، شماره اول، پیام و ناپیام ۱۳۷۳.
بدین سیب، مواردی که در پی می‌آید می‌تواند نمونه‌ای باز الگوی‌برنگی مدیر باشد و همان طور که گفته، اگر مファッション بی‌بی‌آرا این صفات را برای مفاهیم و خود بررسی‌های بی‌بی‌آرا است، می‌توانسته است از راه ملی و آگاه‌ی نسبت‌دار کارهای بزرگ و دادگیری و رعیت پروپری و دیگر خصائص نیک و ممدوح، او را به پروری از این طریق و یا لاقط تظاهر به این فضاهای پرورشی (یوسفی، ۱۳۷۳:۴۲).

جود: شجاعت و دل و زهره‌هاش این بود که باد کرده آمد، [مبارزه به شیران] و سخارش تن‌بانی بود که پازگانی را که یا ام بود پوشاک سکرتی گفتندی یک شب شانه‌هوا ریز دیوار بخشیده‌(بهبهانی، ۱۳۸۴:۱۵۰).

جود را عصر است وقت نشان
وقت فخر و شرف سخاوت و جود
از کف او تن‌باشان هر سه بخال
این صوابت و آن گذشته‌ها سی
ای نرا جود به شیرین و کیش
(فرخی، ۱۳۷۱:۱۴۳۸\یازدهم و نیز‌این‌این و ۱۰۸۹ و ۱۰۸۹)

بجای رحم او خارا خمیرست
بجای بخشش درنا ضیافت
(عصری، ۱۳۷۳:۲۲\یازدهم)

تواضع و فروتی:
شیرم و تواضع است مر او زهاد بدر
آری چنان یا چنان یا خرد به‌اشد اوستاد
(فرخی، ۱۳۷۱:۱۴۵۵\یازدهم و نیز‌این و ۵۴۹۴)

رافت و همربانی:
وزو گریم و رحیمتر رحمت الله علیه کس پادشاه ندیده بود و نخوانده (بهبهانی، ۱۳۸۴:۵۱۹).

امیر رضی الله علیه [معروف از آمل یافت... و در راه که میراند پیادگان درگاه یا دید که
چندین تا از آملان بین میرند، پرسید که اینکه کسی؟ گفتند آملاند که مال ندانند،
گفت رها کنید... و حاجی را مثل داد که آن کار پاپان دارای کسی چیزی نستاوان و
همدان را رها کنند و همچنان کردن (هیمنت، ۱۳۷۶:۵۶).

جسترهای تاریخی و سال‌های تاریخی، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲
فرمان دادیم که هم امروز زندانهای را عرض کنند و محبوبان را پای یکشایسته را راحت آمدن ما به همه دلها برسد آنگاه اگر یکی از این کسی بر راه تهر و تعهد رود سرای خریش بیندد (همان: 34).

غلطی و عفو:
درخواست عفو پس‌ران علی تکین از سوی دانشمند سمرقندی که هماواکا آمده بود:
دانشمند به سخن آمدم و فصیح بود کفته ما وفاده از آوردم و سرود از زرگر سلطان معظم که بی‌بیاید، که امیران ما جوان‌اند و بدان و بدرکان ایشان را بر آن دانشنده که برین جشن آمدن. خواجای بنزک کفته هدایت عالم با اعتقاد نگرد نه بکردار (همان: 144).

عفو و بخشش در قدرت:
کس ندید و نپیدش ازین چهار جدا
بوش قدرت رحم و بوقت زلست عفو
(عصری: 1363، 17/2)
حلمش آنگه چهره‌تر باشد که اغیزان بود
(همان: 1382، 26)

عدالت و دادگستری:
وقت خوارزم‌شناده آن‌نیست که یک‌گونه‌ای می‌آید به نواختی هرچه تمام تر چنانکه حال و محل و راستی او افتضحا کند (همان: 95).

خداوند ایمان و پیمان و امان
(عصری: 1363، 2279/223)
نه سمی پاشد و نه درویشی
(همان: 750/59)

ان‌دان شهربودند
(همان: 1593/148)

تویی که بیاد تو آسان کند همی مره
(همان: 971/54)

آرامش است مجمع خواجته به عدل و داد
(فرخی: 1371، 47/47)

جستارهای تاریخی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان 1392
بر راه که می‌فرست از این جانب شیر نب‌دان جانبن فرود آید، موالاده‌ده دست‌به‌سوندی دراز کرده بود، متعطیم پیش امیر آمد و به‌نالیدی امیر اسب باشند و نشیب ناگفته هم‌کردن خواهتم که این موالاده‌ده را حاضر کنیم. ناخوش و از فقدان نمی‌پذیرد موالاده را بازکرده بود با گویست، که استادی بود. امیر گفت... گویست، چرا من‌دیه از مزاحمان ناحیه‌که ولایت ماست... گفت گناه کردم و خطا کردم (امیر) گفت لاجر سراى گاهگزاران بینه. فرودا تو چیزی را از دروازه گرگان یافته‌ی خست و سازه‌ی بدخواست گویست داد و منادی کردن که هر کس که بر رعایای این نواحی سمت کند سراى ای این باشد... و راغی رعیت را بیدن و منادی این نواحی تواند داشته (به‌فت‌ی 1382).

دانستن زیر نیز دادخواهی یک منتظم از امیر محتوم است:

[امیر محتوم] گفت آن منتظم که خروش می‌کند بیار بیامورم، آم گفت از چه‌چنین؟
گفت: مرتی در ویدم و بین خرمای دامن یک یک را نزدیک فرمان‌مندی می‌زند. پیام‌های خرمایی را یادگیری که، امری رضی عهده و ساخت، بنام با اتفاق عجیب را جوان بخواه‌ماند یافتن را یافتن... امری یکی یکی، خرمای می‌بزرگی و فرمان‌مندی را یافتن... خرمای می‌بزرگی و امری یکی یکی، گفت زه کمی که کا کردن کم‌کن... و بر درخت رو یافتن را با کردی بیامور. به سریف، (و) کاری اقامت‌کردن امری فرودا تو رست در دم و پیام‌دانه را رسین استوار به بنده و منتظم را هزار درم دیگر دیگر و درخت خرمای از وی بخیرد و حشنی بزرگ افتاد (همان: 582).

بنا براین، مدیران می‌توانند در سازمان خوش‌سازی ارزش‌ها و فرهنگ‌ها را بنای نهند، یا فرهنگی را تقویت کند، با این‌که آن را نگه دارند. البته، این موضوع با حرف و سخن نمی‌توانند کامل‌اً محقق شود، بلکه ترغیب به ارزش‌های مطلوب، نیازمند قدم‌های است.

(نذری 1378: 100).

تطابق گفتگار با کردار:

گفتگو با کردار آمیخته گشت‌ست
از سپ که به گفتگو به جای آری کردار
(فرشی 1371: 166/332)

گفتگار نیک و کردار نیک:

به‌تروس بی‌توجه‌گزاری رهبان بر ارزش‌های انسانی و اختلاف‌ها در طرف رهبان است و به اعتقاد متفاوتی به سپر ارزش‌های انسانی است که به این طریق رهبان ازیادی برای رهبان خود است و به همیشه در این همیشه وامی‌دارند و می‌گویند:

جسته‌های تاریخی سال چهارم، شماره لول، بهار و تابستان 1392
پایان در نمی‌آید و می‌تواند به صورت ساده نوشته شود:


dasht 

هم نیکوکار و هم نیکوریت

(فریخی، 1371: 232/232)

و نیز:

نگاه یاد کرد تا احوال ایشان بر چه جمله رفته است و مبود در عدل و خویش سبب و عفت و دیانت و یاکیک گر (رهی، 1385: 117)

عنوان زیر در دو کتاب مبانی سازمان و مدیریت و مروری جامع بر نظریه‌های مدیریت

و سازمان مورد تأکید قرار گرفته است.

5.1.3

این مورد بسیار حائز اهمیت است، زیرا با پیام رسا و تلفن، بهتر می‌توان دیگران را ترغیب به اطاعت کرد و در همین راستا که گفته‌اند: آنچه از دل بر آید لاجرم بر دل نشیند. متون زیر بر قدرت بیان می‌داند (پادشاه و مستواز زمزمجوععاش) تأکید دارد که مطمئناً

این بيان قوی و متین درای نفوذ نیز که چیست و به کار است که پیشی درباره بیان رسانای امیر مصعوب می‌گوید که: جوین ان پادشاه در سنگ امید جهان‌بان پاپیستی که در نظاره بودن که در پادشاهی و جهان شکست (هیمان: 21) و در تأیید همین سنگان پیشی است که بر فرخی سنگ امیر مصعوب را در مثات و استواری سخت‌تر از پولاد می‌داند که در دل و جان آمیت نیز نفوذ می‌کند و می‌گوید: به سنگ گفتن. آن سنده به سنگ

نرم گرداند آهن و پولاد

(فریخی، 1371: 38/38)

نصیری نیز سختانش را «عمل مصنفی» می‌داند و در وصف می‌ساید:

وکر وصف کویی زیرینی لیش 

روان کردرد انگیزت بین زمان

(نصرتی، 1363: 274/274)

در اینجا بحاجت به اشعار فرخی را باپایت از آن هنگام که مصعوب با سختان نافذش، سبایهان کم عداد خود را در مقابل دشمنان سپرای برمی‌انگیزند و در آنان

جستارهای تاریخ، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان 1392
بهزاد اوسی و دیگران

چنان شوری بی‌پایی می‌کند که چنان خود را در طبق اختیاراتی می‌گذارند. این به‌تهمین
نمونه نفوذ سخن است و بی‌مورد نیست که فرخی سخن‌آوری را در نافذ بودن به پول‌الد
تشیبی می‌کند.

وصف لشکر دشمن از زبان مسعود:
گرفته نمی‌پذیرد دست و دو دست شسته زبان
وزین زده کوه‌های چون ستاره خشت. "وران

تأثیر ادب و جملات دیگری در دیوان شعر شاعران و تاریخ بسیار و وجود دارد که
پرای جولبگیری از اطلاعات ادبی به چند بیت دیگر بسیار می‌کنید:
زهر هر بیت ز عشاق عالمی مضمون شود
بناد به دست ندیم خشایه مصور شدست

(عصری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹۳)
برکشده تار ویلر از کام خویشه

(متوفی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹۴)
بنSubject مظله و رای مکان‌های

(همان، ۱۳۸۲)
پسر آنها که می‌خواهند خود را در
خیابان سخن‌آوری می‌کنند و تعداد سخن‌آوری به سفر
وین شگفتی بود از کار جویان بی مبار.

(فرخی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹۲)
پژوهش به‌دنبال مکمل‌کردن معرفی‌های پیشین در مورد اثرات ادبی و رهبری در خصوص سلایدرهای عربی و ایجاد سیاست‌های مناسب است.

6.1.3  ظاهر مناسب

منظر است، مجمع همه فضای

(مهمان: 59/838)

تناسب اندام و ظاهر: جهت بهبود

هناک این است که این فضایی‌الاکثر

(مهمان: 88/107)

عنوان زیری از میان کهن برداشت شده است و در علم مدیریت نوین بدان اشارهای

نشده است.

7.1.3 سن مدیر

از نظر قلم مدیر مسئول جوان بتری دارد:

مهمانست و عجیب بود این از مهربانی

(فرشی، 1371/837: 230)

امیر کوتبه دستی و مادریت و جوان

غریب و نادر ناشد جوان با پرهم

(مهمان: 328/677)

4. نتیجه‌گیری

با توجه به این نکته که هر اثر ادبی بازتابی از فرهنگ، رفتار، آیین‌ها و رویدادهای اجتماعی

بسته‌های تاریخی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان 1392
دوران خود است که من نیروهای زندگی خود را به وجود آورده‌ام، که به نظر می‌رسد آن‌ها در مدت زمانی به مدت تاریخمندی کشف کرده‌اند. نیروهایی که در زمان بزرگی می‌بایست، به‌طوری‌که این همه‌ها به دست آمده‌اند، به‌طوری‌که می‌توانند به سازمان‌های مختلفی پرداخته و به‌طوری‌که با موضوعی از هر آن‌ها گرفته‌اند. یکی از مسائل مهمی که در سازمان، وظیفه‌های و نیروهای مهارت رهبری است.

در این مقاله ویژگی‌های که در مدیریت نوین پرای رهبر در نظر گرفته شده است، از جمله، هوش، بلوغ اجتماعی و وسعت دید، انگیزه‌های تفوقی طبی و نیل به هدف، انسان‌گرایی، پیان رسا و پانفوذ و ظاهر مناسب، از لحاظ متون ادبی و تاریخی این دوره کاوش شد و معلوم گردید که سلاطین غزنوی و کارگرانان رده بالای آنها مطابق نظریه هوش‌گرایان، دارای استعداد و هوش برتری نسبت به پروران در زمینه‌های مختلف می‌باشند. جمله نویسنده‌گی، جنگ‌گرایی، سیاست، مملکت‌داری و مهدی‌سی بودند؛ بلوغ اجتماعی و وسعت دید قابل قبول داشتند و نسبت به جامعه آن روز خود در سطح بالاتر قرار داشتند و پیش‌بینی واقعه دندانگاه پیکر از این نمونه‌هایی نگریزیده و تفوق‌هایی به نیل به هدف به شدت در وجود آنان قوی بود و ارتباط جایی‌ها آنان از مرتبطی با علاقه و حاضری به پایشایی مملکت‌هایی از همین خصوص آنان است. بین رسا و پانفوذ آنان خصوصاً سلطان مسعود در جایی به‌کار رفته و درون اشاعر شاعران و سخنان مسعود در برنامه‌های مسعودیان در جنگ دندانگاه مشهور است. در خصوص انسان‌گرایی و نمونه‌هایی از عطوفت و مهربانی و عفون اشتایا نیروهای تحت فرم‌شکن به چشم می‌خورد که این یک نظر را که سلاطین غزنوی به کلی از جنبه عاطفی و انسان‌گرایی خالی هستند، اکنار می‌کند.

پی‌نوشت

1. استوار، مهکم
2. شکست
3. غلب و بهره‌شونده
4. غلاف شمشیر
5. چه کسی
6. از بیگ و بن رکن‌دان، ریشه‌کن ساختن
7. نامه کرچک
بازتاب هدایت و رهبری در آثار ادبی در خصوص سلسله‌های غزنوی

1. مجازات آب در زیر زمین قات
2. غیر قابل بخشش
3. نخستین بی‌خان
4. ثبوت ناشی‌های
5. پر، درخواست، فقا
6. بی مهنی نه‌است
7. بی‌معنى مس و سال

منابع

الوانی، سید مهدی (1371). مدیریت عمومی. ج. 6. تهران: نی.
11. نوری لک، دکتر (۱۳۷۵). از کلاچش‌ها تا برجستگی ایران، تهران: الهدی.

سید ابراهیم، سید رضا (1384). مروری جامع بر تئوری‌های مدیریت و سازمان. ج. 2. تهران: نگاه دانش.

سرتیزی، فرخزد (1373). دیوان اشعار، تصحیح محمد دریسپناکی، تهران: زوار.
15. علی‌قلی، سید بهار (1385). توافق‌طلبی در تمدن اسلامی. تهران: سمت.

عصری، حسن (اخوان (1374). دیوان اشعار، تصحیح محمد دریسپناکی. ج. 6. تهران: کتابخانه ملی.

منوچهری، احمدین قوی (1385). دیوان اشعار، تصحیح محمد دریسپناکی. ج. 6. تهران: روزار.
17. نصر، حسن (1379). تحلیل بر مدیریت از دیدگاه سعدی. شرکت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

یوسفی، غلامحسین (1374). فرهنگ سیستماتیک. تهران: علی‌قلی.

جسترهای تاریخی، سال چهارم، شماره اول، بیمار و نابینا 1382.
